

# همیشه برای فرهنگ شهر

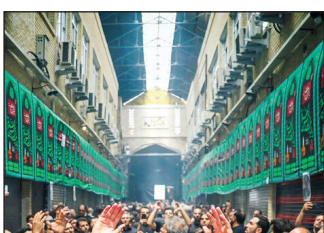
## قاب‌های ماندگار عاشورایی



یکی از روضه‌های دلنشین در تهران مربوط به حسینیه امام خمینی (ره) در خیابان جمهوری است که با حضور رهبر انقلاب و مردم عزادار برگزار می‌شود.



مشعل گردانی عرب‌های مقیم تهران در دولت‌آباد از آن مراسم‌های زیبا و باشکوهی است که امسال نیز با حضور خیل عزاداران برگزار شد.



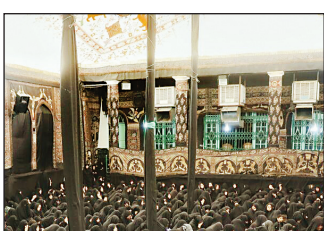
چهارپایه‌خوانی یکی از با قدمت‌ترین مراسم‌هاست که در بازار تهران با حضور کسبه و تهرانی‌ها برگزار می‌شود و امسال نیز با وجود گرمای زیاد، مردم باز هم در این مراسم شرکت کردند.



سال‌هاست که در ظهر تاسوعا، صدای عباس اسفاسی هم‌دانی مقیم تهران در کوچه پس‌کوچه‌های سرچشمه تهران می‌پیچد؛ مردمانی که به یاد سردار تشنه‌لب، شهر را سیراب می‌کنند.



تهران جایی است که می‌توان عزاداری شهرهای دیگر را در آن دید؛ مانند عزاداری آذربایجان‌ها در منبریه که از قاب‌های ماندگار عزاداری امسال شد.



مجالس روضه که در آن زنان محور باشند، در تهران کم است اما یکی از بهترین و زیباترین جلسات زنانه در حسینیه سادات اخوی محله امامزاده همچنین معرفی ذاکران قدیمی اهل بیت (ع) و روضه‌های خاص نواحی؛ هدیه‌هایی که کودکان اصلی می‌نشینند و همراه با خانم زینب کبری (س) مجلس دار اصلی هستند.



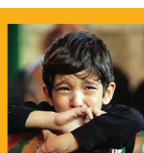
## عزاداری پرشور در تابستان داغ

هوا امسال خیلی گرم است، در برخی شهرها دمای هوا به ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد اما با وجود این، مراسم دهه اول محرم در همه شهرهای ایران با همان شور و حضور پررنگ عزاداران برگزار شد؛ عزادارانی که در گرمای تیرماه، با لباس مشکی ساعت‌ها در حسینیه و خیابان در سوگ شهادت امام حسین (ع) و یارانش سینه و زنجیر زدند و گریه کردند.



## پذیرایی‌های ساده و خنک

امسال پذیرایی بسط‌برای بیستگانه‌های صلواتی نیز جالب بود. پذیرایی از مردم با شربت‌های خنک، آبدوغ خیار و غذاهای سبک مثل لقمه‌های کوچک پنیر و خیار یا کوکو سبب زمینی و سیب زمینی سوخ کرده، نشان می‌دهد که مردم با وجود مشکلات اقتصادی باز هم ندری‌های خود را به صورت نهنه قطع نکرده‌اند بلکه آن را با سبک‌وسایق جدید و تابستانی دنبال می‌کنند.



## فالورهای دهه هشتادی و نودی امام حسین

حضور کودکان و نوجوانان دهه هشتادی و نودی در دسته‌های عزاداری و همچنین روضه‌های بزرگ و کوچک نشان می‌دهد این نسل برخلاف تصور ایجاد شده که کمتر تعلقات مذهبی دارند، به امام حسین (ع) دل بسته‌اند و آنها نیز مانند همه نسل‌های گذشته خدمتگزار به این خاندان رافتخار می‌دانند.



## نذر کتاب و محصولات فرهنگی

از جدابیت‌های محرم امسال، نذرهای متفاوتی بود که در روضه‌ها زیاد دیده می‌شد؛ کتاب‌هایی با مضمون عاشوراشناسی برای کودکان و نوجوانان و همچنین معرفی ذاکران قدیمی اهل بیت (ع) و روضه‌های خاص نواحی؛ هدیه‌هایی که کودکان اصلی می‌نشینند و همراه با خانم زینب کبری (س) مجلس دار اصلی هستند.



عکس: هانا ریوا

# شیرین مثل نذر حسین

گزارشی از حلواپزان چهارراه گلوبندک تهران در روز تاسوعا که صدها دل‌داده امام حسین (ع) را گرد هم می‌آورد

دلداده نشده‌اند، شاید این همه بذل و بخشش عزاداران حسینی قابل درک نباشد؛ اما دوستداران اهل بیت (ع) خوب می‌دانند که خرج کردن برای این دستگاه مقدس نه تنها هزینه نیست که عشق است و برکت. سالیان سال است که مردم حتی با

دستان خالی و در شرایط سخت اقتصادی، پای این نذورات مانده‌اند و هر یک به شکلی نذر می‌کنند. یکی از جذاب‌ترین و خوشمزه‌ترین نذری‌ها در این ایام را می‌توانیم در روز تاسوعای حسینی در محله گلوبندک تهران ببینیم.

## گزارش: الناز عباسیان روزنامه‌نگار

برای آنهایی که به عشق حسین (ع) گرفتار و



بانی اول: سیدخوش قلب کوچه چترچی از خیابان منبریه به خیابان ابوسعید و بعد چهارراه گلوبندک حوالی خیابان ۱۵ خرداد می‌رسیم. امروز دیگر خبری از ازدحام موتورسوارها و چرخ‌های بازار نیست؛ در عوض بوی آردتفت‌داده با روغن، قابللمه و بیگ‌نیک به‌دست به سمت چهارراه آمده‌اند و خیلی زود گوشه‌ای از خیابان بساط حلواپزان‌شان را پهن کرده‌اند. اصل مراسم در کوچه شهید «امیر چترچی» است اما اینکه چطور و از چه زمانی این برنامه اینجا برگزار می‌شود را کسی دقیق نمی‌داند. یکی از حاضران در مراسم که سن و سالی از او گذشته، از نذری سیدمحلله در قدیم می‌گوید: «سال‌ها قبل انتهای این کوچه یک سید خوش‌قلب و ساده زیست زندگی می‌کرده که هر سال روز تاسوعا روضه داشته و از مهمان‌ها با حلواهایی که خودش می‌پخته پذیرایی می‌کرده. بعد کم‌کم مردمی که حاجت گرفتند، شروع کردند به پختن حلوا در کنار این سید و در نهایت رسیده به امروز که می‌بینید البته از قدیمی‌ها شنیده‌ایم که این سید از کسی کمک مالی و نذورات دریافت نمی‌کرده و مردم خودشان به نیت حلوا برده‌اند.» گویا خانه این سید هنوز در همین کوچه شهید چترچی است اما روایت دیگری هم از این مراسم هست. گفته می‌شود در زمان‌های قدیم مادری که فرزند بیماری داشته و دکترها جوابش کرده بودند، از همه‌جا پریده و متوسل به حضرت عباس (ع) می‌شود. نذری می‌کند اگر بسرش شفا پیدا کند، هر سال روز تاسوعای حسینی حلوا بپزد. حاجت‌روا می‌شود و چندین سال در خانه کوچکش نزدیک این کوچه حلوا می‌پزد و بعد کم‌کم دیگران هم به کمکش می‌آیند و خاندانش می‌شود محفل پخت حلوا.



کوچه غرق در عطر خوش گلاب و هل بوی حلوا تمام فضا را پر کرده است؛ حلواهایی با طعم و رنگ و تزئین متفاوت. ساعت ۹ و نیم صبح است و مردم از هر طرف می‌آیند و هر کدام در گوشه‌های می‌نشینند و با اجاق‌های سیر آرد را تفت می‌دهند. بعضی‌ها هم مشغول ریختن شیره زعفرانی و چاشنی‌های معطر و خوش‌طعم هستند. عده‌ای از همسایه‌ها در خانه‌هایشان را باز کرده و حیاط و آشپزخانه‌شان را در اختیار حلواپزها گذاشته‌اند تا راحت‌تر ادای نذر کنند. اگر چه اغلب آشپزها خانم هستند، اما مردان هم با هم‌زدن آرد و دادن پول برای پختن حلوا بیشتر، خودشان را در ثواب این نذری شریک می‌کنند. حالا که عطر خوش هل و گلاب فضا را معطر کرده، دل‌مان غنچ می‌زد برای تست کردن گوشه‌های حلواهای نذری. به همین خاطر برای پاسخ به این سؤال که نخستین بار چه کسی و در چه زمانی این رسم را بنا نهاده، به این گفته‌ها اکتفا می‌کنیم و سراغ آشپزها می‌رویم و دسته‌ای از خانم‌ها که با ذوق و شوق در حال درست کردن حلوا هستند. انگار با هم دوست و آشنایند. این را از آنجا که هم‌دیگر را با اسم کوچک صدا می‌کردند، فهمیدیم. سرافشان می‌رویم و از حضورشان در این ایام، می‌پرسیم. مریم نظری که بار اولی است به این مراسم آمده، می‌گوید: «من در یک تولیدی لباس کار می‌کنم. همکارانم بارها از این مراسم تعریف کردند. دلم خواست امروز اینجا بیایم و حلوای شهر خودمان را برای عزاداران امام حسین (ع) بپزم. البته نذری ندارم و علاقه قلبی ام این است که کام مهمان‌های امام حسین (ع) را شیرین کنم. حلوای شهر ما اردبیل، اوماج است.»



آیینی که باید به همه معرفی شود صبح تاسوعا تا ظهر آیین حلواپزان برای شهدای کربلا در قلب تهران به همت خانم‌های تهرانی در حال برگزاری است و ماه مهمان آنها شده‌ایم. آن‌طرف‌تر دختر جوانی کنار مادرش نشسته و خامی آرد روی ماهیتابه‌ها را با ذکر صلوات و تفت‌دادن می‌گیرد. یک بلندگوی کوچک و بسیار هم کنار دستش گذاشته تا حین حلواپزی، نوحه هم گوش دهد: «مثل اسکندر جای روضه / دوست دارم فقط مال شما بشم / مثل این کتیبه‌ها سایه‌ها / وقف هر هفته هیئت‌باشم / آرزو به جیونایم که نیست / دوست دارم فرش تو کربلا بشم. / مادرش هم ۳ فلاسک جای آورده و با حوصله جای می‌ریزد و از حس و حالش می‌گوید: «گره به کار مان کتیبه‌ها بسود و هم‌زمان دخترم ناراحتی قلبی پیدا کرده و در مرکز طبی کودکان بستری شد. همان روزهایی که درگیر دوا و دکتر خسته‌ایم، شب تولد امام حسین (ع) خواب دیدم در یک خیابان نشستام حلوا می‌پزم و خانه هم صبح و سالم داردم دست همه حلوا می‌دهد. وقتی بیدار شدم، ترسیدم. تعبیر بدی کردم و نگران شدم. تا اینکه چند روز بعد دکتر خانه آمد و گفت طبق آخرین عکس و آزمایش‌ها، قلب خانه مشکلی ندارد. گفتیم مگر می‌شود؟ شما گفتید قلبش بزرگ شده و باید جراحی شود. دکتر عکس قلب و بعد قلب خانه را به سمت نور چراغ بالا برد و گفت: ما از نظر پزشکی توجیعی برای این دو عکس متفاوت نداریم اما از نظر قلبی و شخصی معتقدم معجزه شده است. چندماه بعد در شبکه‌های مجازی دیدم روز تاسوعا در کوچه نزدیک بازار به این شکل حلوا می‌پزند. یاد خوابم افتادم و من هم خودم را به این جمع رساندم. امسال ششمن سال است و عهد کردم تا عمر دارم اینجا حلوا بپزم.»



یک نذری بی‌آلایش خیلی‌ها برای گرفتن نذری به اینجا آمده‌اند. میزبان‌ها و مهمان‌های این محفل با هر لباس و پوشش و گویشی در کنار هم جمع شده‌اند. زن و مرد جوانی با ظرف حلوا جلو می‌آیند و به ما تعارف می‌کنند. حرف که باز می‌شود، مرد جوان که ظاهرش متفاوت‌تر از دیگر میزبان‌های محفل حلواپزان است، از نذر امسالش می‌گوید: «حقیقت ما سال گذشته همین‌طور آمده بودیم اما تعارف می‌کنند. حرف که باز می‌شود، نذر نداشته‌ایم و دوست داشتیم آیین‌های متفاوت شهر را با همسر تماشا کنیم. همان سال گذشته وقتی سادگی و بی‌ریبایی آیین میزبان‌های امام حسین (ع) را دیدیم، دل‌م لرزید. خانه ما الهیه است و کمتر این شکل مراسم را در محله‌های شمال شهر دیده بودیم. با همسر عهد بستیم اگر تا سال بعد مشکل کار من برطرف نشد، ما هم اینجا حلوا بپزیم. خدا را شکر حاجت‌روا شدیم و امسال با دست پر به اینجا آمده‌ایم.» سعیده فرجی ادامه صحبت‌های همسرش را می‌گیرد و با ذوق و خنده می‌گوید: «راستش من تا الان حتی در خانه هم حلوا نپخته بودم. به همسرم گفتم ما وسایلی حلوا را می‌آوریم و هر جا گیر کردیم، از این خانم‌هایی که تجربه دارند، کمک می‌گیریم. همین‌طور همند. حالا داریم بخش حلوا زعفرانی درست کرده و حالا داریم بخش می‌کنیم.» همسرش وقتی این حرف‌های خانم را می‌شنود، با شوخ‌ی به ما می‌گوید: «خانم ما که در آشپزخانه خودمان سال‌ها یک‌بار هم آشپزی نمی‌کند امروز گوشه پیاپی حلوا پخته؛ کاش زودتر می‌آمدید و می‌دیدید!»

